

مروری تلفظ فارسی در شبه قاره

Dr. Md. Moharram Hossain

Ex-Student, Department of Persian Language & Literature, University of Rajshahi, Bangladesh

ARTICLE INFORMATION

The Faculty Journal of Arts
Rajshahi University
Special Volume-7
ISSN: 1813-0402 (Print)

Received : 05 February 2025
Received in revised: 13 April 2025
Accepted: 16 March 2025
Published: 25 October 2025

Keywords:

زبان فارسی، شبه قاره هند، واو یا یای مجهول، های آخر کلمه،
لاحقه نده ما قبل مکسور، نون غنه.

ABSTRACT

زبان چیزی است که مردم برای بیان افکار خود از آن استفاده می کنند. زبان نعمت بزرگ خداوند است. حدود ۸۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد. فارسی یکی از آخاست. این زبان در ایران، افغانستان و تاجیکستان امروزی استفاده می شود. زبان فارسی در شبه قاره هند به کار می رفت. زیرا زبان فارسی حدود ۶۰۰ سال در این کشور زبان دولتی محسوب می شد. بین پارسیان شبه قاره هند و پارسیان نواحی دیگر تفاوت های زیادی وجود دارد. زبان همیشه در حال تغییر است. اگرچه زبان فارسی در این شبه قاره هند تغییری نکرده است. بلکه به زبان فارسی ایران باستان پایبند هستند، چهار مورد از بسیاری از موضوعاتی که این تغییر در آنها مشاهده می شود وجود دارد. بسیاری از نویسندگان از قرن هفتم هجری تا به امروز در نوشته های خود به این تفاوت ها اشاره کرده اند. از شمس الدین محمد قیس، نویسنده ای قرن هفتم هجری قمری که در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی (۶۵۲-۶۲۸) به تحصیل ادبیات پرداخت. وخواجه نصیرالدین طوسی از نویسندگان پارسی قرن هفتم هجری و شمس بن سعید فخری اصفهانی است. و. عطاءالله بن محمود الحسینی، شاگرد مولانا عبدالرحمن جامی است و نورالدین بن احمد بن عبدالجلیل شاعر معروف قرن نهم هجری است و فتح محمد بن بهاءالدین قریشی عباسی مصطفی آبادی ۱۰۴۹ هجری قمری است. ومیرزا محمود خان سیف الدین ۱۳۳۰ هجری قمری و رضا داعی جواد ۱۳۴۰ هجری قمری. همینجور بسیار نویسندگان در نوشته های خودشان درباره ای واو یا یای مجهول، های آخر کلمه، لاحقه نده ما قبل مکسور، نون غنه و دیگر چیزهای گوناگون توضیح داده که بین ایران و درشبه قاره تفاوت های زیادی دارد. به همین دلیل تمام کتاب های فارسی چه در اینجا و چه در هندوستان با رعایت قوانین فوق نوشته شده است. در عین حال، نویسندگان متأخر ایرانی، در تألیف کتاب های خود، به قدیمی بودن این قاعده و جدید بودن این قاعده اشاره کرده اند.

سخن آغاز

هراهل زبان برای تلفظ زبان مادری خودشان یک روش و وضعیت خاصی بکار می برند. اگرچه تلفظ آن زبان با استفاده از آن روش و حالت خاص برای افراد خارجی غیرممکن نیست، اما دشوار است. اما تسلط بر برخی بخش های آن زبان در نتیجه تلاش های سطحی غیرممکن نیست. باز هم زبان همیشه در حال تغییر است. بنابراین تسلط بر تغییر زبان اصلی اصلاً آسان نیست. فارسی زبان مادری شبه قاره هند نیست. اما به دلیل فاختان فارسی زبان، زبان فارسی به عنوان زبان مادری و همچنین زبان دولتی در شبه قاره هند به شمار می رفت برای مدت طولانی شش قرن، زبان فارسی به عنوان زبان دولتی شبه قاره هند شناخته شد. باز هم زبان فارسی به زبان عملی روزمره جامعه تحصیل کرده این کشور تبدیل شده است. استفاده از زبان فارسی زمانی که همه تحصیل کردند، از جمله دادگاه اداری، به قدری فراگیر شد که فارسی دیگر زبان خارجی محسوب نمی شد. زبان متغیر است. به تدریج به دلیل نفوذ کلمات زبان های دیگر و حتی

به دلیل ترجیحات و استفاده خود گویندگان، تغییرات زیادی در زبان ایجاد می شود. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. با این حال، زبان فارسی در شبه قاره هند به شکل باستانی خود باقی مانده است، بدون اینکه به اندازه ایران تغییر کند زبان فارسی که در استان های مختلف ایران رواج دارد، از دیرباز از شکل کهن خود فاصله گرفته و شکل جدیدی به خود گرفته است. به همین دلیل است که تفاوت های زیادی بین فارسی باستان و فارسی جدید وجود دارد. زبان سنتی پارسی شبه قاره هند از این نفوذ فارغ است.

در این مقاله سعی خواهیم کرد که هنوز برخی از تلفظ ها و روش های رایج در زبان فارسی در شبه قاره هند وجود دارد که در زمان ورود به این کشور به زبان فارسی بوده است و همچنین نشان خواهیم داد که زبان فارسی هنوز در شبه قاره با آن حالت اصلی باقی مانده است که از ایرانی ها دریافت کرده اند. این موضوع را به چهار قسمت تقسیم می کنیم.

۱. واو یا یای مجهول

۲. های آخر کلمه

۳. لاحقه نده ما قبل مکسور

۴. نون غنه

می دانیم که اخیراً در ایران از واو و یای مجهول در فارسی استفاده نمی شود. در این زمان حال هیچ تفاوتی در تلفظ بین کلمات دورو و شیر و شیر وجود ندارد. به این ترتیب ایرانی های حرف آخر کلمه را با های غیر ملفوظ تلفظ می کنند. به عنوان مثال، رفته و خانه که تلفظ قدیمی رفته و خانا. و در حال حاضر نون غنه در زبان فارسی وجود ندارد. پس کلمات جهان و چونین بانون نقطه ملفوظ می شود است. نه با نون غنه که در شبه قاره رواج داشته.

ما سعی خواهیم کرد در پرتو متون ایرانی و غیر ایرانی از قدیم الایام تا به امروز ثابت کنیم که تلفظ های شبه قاره ای فارسی منظم و قانونمند است. فارسی زبانان امروزی از قوانین قدیمی فاصله گرفته اند و همچنان در قوانین جدید از زبان فارسی استفاده می کنند. فارسی چنین قوانین جدیدی در شبه قاره هند رواج ندارد. برعکس، آنان زبان فارسی را در پرتو قواعد کهن ادامه داده اند

۱. واو یا یای مجهول

شمس الدین محمد قیس، نویسنده ای قرن هفتم هجری قمری که در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی (۶۵۲-۶۲۸) به تحصیل ادبیات پرداخت. وی از معاصران شیخ سعدی بود. او کتابی به نام المعجم فی معایر اشعار العجم نوشت. این کتاب درباره ای علم عروض و قافیه است. این کتاب در کتابخانه ای به نام مجالس شوره ملی ایران نگهداری می شود. که شماره آن ۵۴۰۹۱ است. این کتاب اکنون در دست من است. او در تحت تذکره حروف قافیه می گوید

ضمه ما قبل واو در لغت پارسی دو گانه بود. مشبعه و ملینه مشبعه چنانکه ضمه حور و پور و ملینه چنانکه ضمه روز و یوز (المعجم فی معایر اشعار العجم ص. ۲۳۵)

در تحت تذکره ای ناکره می گوید

و آن یایست ملینه که در اواخر اسماء علامت نکره باشد. چنانکه اسپی خریدم و غلامی فروختم (ایضا. ص. ۲۲۱)

وقتی که حروف شرط و جزا را توضیح داد آن وقت گوید

و آن یایست ملینه که در اواخر افعال معنی شرط و جزا دهد. چنانکه اگر بخواستی بدادمی اگر بفروختی بخردمی (ایضا. ص. ۲۲۱)

در حال بیان حروف نفی نوشت

همای ملک تو مرغیست لاغر : که از منقار او شد ملک فریبی

هر آن کس که ترا بیند پرسد : که این خرشید تا بنده ست یا نی (ایضا. ص. ۲۲۴)

۲. خواجه نصیرالدین طوسی از نویسندگان پارسی قرن هفتم هجری کتابی به نام معیار الاشعار تألیف کرده است که مشتمل بر شش جزو است. که عبارتند از انیس العشاق فصلی حدایق الحقایق نصاب معیار جام مختصر است. این کتاب در کتابخانه شورای امیلی مجلس ایران نگهداری می شود. نه نام مسلسل ۹۱۲۷۰. به نام میزان افکار فی شرح معیار الاشعار شرح این مطلب را حضرت مولانا مفتی محمد سعد الله رامپوری مرادآبادی نوشته است. تصحیح کرد مولوی دکتر مظهر علی. از کتابخانه مرکز پژوهشی میراثی مکتوب ایران منتشر شده است. یک نسخه از هر دو متن در دست محقق ست فصل اول کتاب معیار که به عروض و کافیه می پردازد ذکر شده است -

دوم اختلاف ردف و اختلاف بحروف متباعد ظاهر و قبیحتر بود. بآن سبب استعمالش کمتر اتفاق افتد. اما بحروف متقارب چنانکه در دور و شور و شیر و شیر که بکاردارند (معیار الاشعار. ص. ۲۱۵) از این بیان معلوم می شود که واو بر دو نوع معروف و مجهول است. نویسنده در بسیاری از جاهای این کتاب اظهاراتی می کند که نشان می دهد واو به نظر ایرانیان بر دو نوع بوده اند. اما در برخی مناطق ممکن است مجهول تلفظ نشود. با این حال، منشأ این تلفظ مجهول ایران است.

۳. یکی دیگر از کتاب های مهم عروض و قافیه معیار جمالی است. نوشته شده در سال ۷۴۴ هجری قمری. مؤلف آن شمس بن سعید فخری اصفهانی است. وی این کتاب را به نام جمال الدین شیخ ابواسحق بن محمد (۷۵۸ هجری قمری) تقدیم کرده است. این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می شود. که شماره آن ۷۴۳۱۹ است. نسخه ای از این نیز نزد مقاله نویس موجود است. نویسنده در بحث حرف قافیه فصل دوم این کتاب گفته است

بدانکه الف و واو و یا از اشباع فتحه و ضمه کسره خیزد. و ضمه ما قبل واو و کسره ما قبل یا بر دوگانه است. مشبعه و ملینه و مشبعه را حرکت معروف گویند. و ملینه را حرکت مجهول نامند (معیار جمالی. ص. ۲۴).

۴. در کتاب مختصر وافی به قواعد علم قافی نوشته ای مولانا عبدالرحمن جامی که به آخرین شاعر قرون وسطی شهرت دارد (۸۹۸ هجری قمری). ذکر صریح وجود دارد که واو و یا در دو تقسیم منقسم شده است. این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می شود. که شماره آن ۸۸۸۱ است. نسخه ای از این کتاب را که در قرن سیزدهم هجری قمری نوشته شده است درستش پیدا کرده است. در تحت بیان حرف ردیف گفته است.

ردف در قافیه فارسی چون واو و یا باشد بر دوگونه است. معروف و مجهول. معروف آنست که ضمه و کسره ما قبل واو و یا اشباع تمام کرده باشند. چون پور و دیر و مجهول آن که اشباع نکرده باشد چون شور و شی (مختصر وافی به قواعد علم قافی ص ۱۳)

مثل روز روشن است که در زمان شاعر قرون وسطی مولانا عبدالرحمن جامی، واو و یا بر معروف و مجهول تقسیم شده است. که از قول مذکور او مشهود است. اوصاف بسیار دیگری نیز وجود دارد که ادعای ما را تقویت می کند .

۵. عطاءالله بن محمود الحسینی، شاگرد مولانا عبدالرحمن جامی است. او کتاب دیگری شبیه به استادش نوشت. که نامش رساله در علم قوافی است. به نام امیر علی نوایی معروف به ذو اللسانین تقدیم شد. او شاعری معروف و نویسنده کتاب‌های بسیاری به زبان‌های فارسی و تازی بود. این کتاب در این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می شود. که شماره آن ۸۵۴۷۹ است. محقق موفق به جمع آوری نسخه ای از آن شده است که در سال ۱۳۰۰ هجری قمری نوشته شده است. در صفحه ۷ این کتاب واو و یا معروف و مجهول به دو قسمت تقسیم شده است. موضوع ذکر شده است .

بدانکه هر یک از واو و یا ردف معروف و مجهول می باشد. معروف آنست که ضمه ما قبل واو و کسره ما قبل یا را اشباع کرده باشند مانند دور و دید و مجهول آنست که اشباع نکرده باشند مثل رود و بید (رساله در علم قوافی. ص. ۷)

۶. در این مرحله می توان نام کتاب دیگری را ذکر کرد. که اسمش رساله علم قافیه. مؤلف نورالدین بن احمد بن عبدالجلیل شاعر معروف قرن نهم هجری است . گردآورنده آن مُجَدَّ علی مصاحبی است و به نام امیرعلی تقدیم شده است. این کتاب در کتابخانه شورای ملی در مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود. که شماره آن ۲۹۹۶۱ است. نسخه ای از آن در دست محقق موجود است. در حال بیان حرف ردیف گفته

واو و یای ساکن باعتبار حرکت ما قبل بر دو گانه است. معروف و آن یایست که ضمه و کسره ما قبل ایشان مشبعه باشد یعنی سرگردانیده باشد چون حور دور پیر. و مجهول و آن واو و یایست که ضمه و کسره ما قبل ایشان ملینه باشد یعنی نرم گفته شده همچون شور و گور و دیر و شیر (رساله علم قافیه ص ۹)

۷. بنابراین یکی دیگر از کتابهای مهم تألیف شده در سال ۹۲۵ هجری قمری مؤیدالفضله است که نویسنده این کتاب شیخ مُجَدَّ خضری بن شیخ لاد دهلوی است و گردآورنده آن فتح مُجَدَّ بن بهاءالدین قریشی عباسی مصطفی آبادی ۱۰۴۹ هجری قمری است. این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می شود. که شماره سریال آن ۱۵۰۱۹ است. در این کتاب از واو و یا معروف را به نام تازی و مجهول را به فارسی نام برده شده است و یای تازی برای خطاب آید چنانکه کردی و یای فارسی برای تنکیری چنانچه مردی (مؤیدالفضله. ص. ۲۷۷)

۸. نویسنده فرهنگ جهانگیر جمال الدین حسین بن فخرالدین حسن شیرازی است. او امروز به عنوان عضد الدوله معروف شد. این کتاب در حدود سال ۹۹۴ هجری قمری نوشته شده است. نویسنده از ایران شناسان مشهور بود. او در دربار امپراتور اکبر مقام بالایی داشت. وی در زمان امپراتور جهانگیر به عنوان والی بیچار منصوب شد. میرزا مُجَدَّ حارثی بدخشی در کتاب تاریخ مُجَدَّی نوشته است. وی در سال ۱۰۳۵ هجری قمری در آگرا درگذشت. نگارش این کتاب را در سال ۱۰۱۷ هجری قمری به سرپرستی امپراتور اکبر آغاز کرد. و در سال ۱۰۳۲ هجری قمری به پایان رسید. در آن زمان امپراتور اکبر مرده بود. با تکمیل کتاب در زمان شاهنشاه جهانگیر، مؤلف با اشاره به نام جهانگیر آن را فرهنگ جهانگیری نامید و برای نگارش آن از حدود

چهارصد و چهار کتاب کمک گرفت. در پایان کتاب به این موارد اشاره شده است. این کتاب در کتابشناسی ایران محفوظ است. که شماره سریال آن ۲۹۹۸۱ است. یک نسخه از آن توسط محقق کشف و ضبط شده است. نویسنده در مقدمه کتاب گفته است دوم یای تعجب است که اگر مخاطب حاضر باشد این یا را معروف خوانند و گویند مرد بدی و چه مرد بدی و اگر غائب بود این را مجهول خوانند و گویند مرد بدی و چه مرد بدی سوم یای خطابست چنانکه گفتمی آمدی (فرهنگ جلد ۱، ص ۳۲)

۹. یکی دیگر از فرهنگ های مهم فارسی برهان قاطع است نویسنده ای این کتاب محمد حسین بن خلف تبریزی که ملقب به برهان است. در سال ۱۰۶۲ هجری قمری تألیف شده است و تقدیم به عبد الله قطبشاه شده است که فرماندار گلکوندا بود. میرزا غالب به نقد کتاب پرداخت از این جهت از اهمیت متن اصلی کم نمی شود. علاوه بر این، دانشمندانی مانند علی اکبر دهخدا، ابراهیم پور داوود، علی اصغر حکمت و سعید نفیسی از این کتاب تمجید کردند. مولف در ویرایش جدید، اصلاحاتی اشتباهات نویسنده اصلی را اضافه می کند. نسخه ای از کتاب که نوشته شده در سال ۱۸۳۱ میلادی با شماره مسلسل ۲۹۹۶۱ در کتابخانه ایران نگهداری می شود. یک نسخه از آن توسط محقق کشف و ضبط شده است. واو در مقدمه این کتاب درباره مجهول گفته است.

دیگر واو معروف و مجهول است. و ماقبل اینها البته مضموم می باشد و خود ساکن. اما معروف واویست که در تلفظ مفهوم می شود. همچو سور و دور و زلو و گلو و مانند آن. و اما مجهول اندکی می گردد همچو بور و هور و سبو و امثال آن (برهان قاطع، ص. ۲۸)

۱۰. فرهنگ رشیدی یکی دیگر از فرهنگ های مهم فرهنگ است. نویسنده عبدالرشید بن عبدالغفور حسینی مدنی است. او ساکن سند پاکستان است. این کتاب در سال ۱۰۵۴ هجری قمری نوشته شده است. نویسندگانی از ایران و هند از این کتاب تمجید کرده اند. این کتاب با شماره مسلسل ۲۳۵۰ در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می شود. نسخه ای به دست محقق رسید. چاپ جدید به سردیبری محمد عباس از تهران خارج شده است. ویراستار در ادامه به ارزیابی کتاب پرداخت. در میان کتب لغت مستند و معتبر فارسی که بر اساس تحقیق و تتبع در آثار منظوم و منثور فصیحی متقدم تصنیف شده بدون هیچ گمان فرهنگ رشیدی مهمترین و مفصل و معتبرترین آنها است (فرهنگ رشیدی دیاجه، ص. ۱۱)

در این کتاب گفته شود

باید دانست که حرف واو خواه در آخر خواه در وسط بود اگر ماقبلش ضم خالص باشد واو معروف گویند اگر خالص نباشد مجهول خوانند (ایضا، ص. ۲۵)

۱۱. کتاب فرهنگ لغت دیگر سراج اللغة نام دارد. نویسنده آن سراج الدین علی خان ارزو اکبرآبادی است. او یک ملک الشعراء ادبیات اردو است. به گفته میرحسن، نویسنده سحرالبیان، پس از امیر خسرو عالم بزرگ دیگری در ادبیات اردو دیده نشده است. او توانست سهم بزرگی در ادبیات فارسی داشته باشد. این در سال ۱۱۶۹ هجری قمری نوشته شده است. نویسندگان در جاهای مختلف این کتاب سعی در اثبات آن داشته اند. که از نظر ایرانی ها واو به دو قسمت تقسیم می شود. آفروشه. آموسنی. اروس. الکوس آبریزان آزیردن آویش و غیره

۱۲. میر شمس الدین فخری دهلوی کتابی به نام حدایق البلاغه در سال ۱۱۸۳ هجری قمری نوشته است. نویسنده از دانش پژوهان زبان فارسی بود. این کتاب برای مبتدیان به زبان فارسی در نظر گرفته شده بود. این کتاب با شماره مسلسل ۶۸۲۹۷ در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می شود. به نام نثر الافاضه به زبان اردو ترجمه شده. مترجم مولوی عبد الاحد است. از پریس مفید عام از لکهنومنتشر شده است. اکنون یک نسخه از هر دو متن در دست من است. این کتاب به تقسیم بندی واو و یا در فارسی می پردازد. پوشیده نماد که در فارسی واو و یای ردف معروف و مجهول می آید. معروف آنست که ضمه ماقبل واو و کسره ماقبل یا اشباع داشته باشد مثل دور و پور دید و چکید. و مجهول آنست که بی اشباع باشد مثل زور و کور و بید و امید (حدایق البلاغه، ص. ۵۵)

۱۳. میرزا محمد حسن قاتل فریدآبادی (۱۲۳۳ هجری قمری) در سال (۱۲۰۶) کتابی به نام شجرةالامانی نوشت. همچنین یکی از طرفداران کتاب درسی برای دانش آموزان فارسی ابتدایی بود. او در مورد واو و یا به طور مفصل به زبان فارسی بحث کرد. او یک پرسشگر شوخ بود. اگر در شبه قاره و ایران این تقسیم بندی را نداشت در نوشته های خود به آن اشاره می کرد

۱۴. میرزا محمد تقی خان مستوفی مورخ و دانشمند بزرگ ایرانی به سپهر شهرت داشت. او برادر همسر سلطان ناصرالدین شاه بود. این کتاب در کتابخانه ایران به شماره مسلسل ۲۰۷۶۵۰ نگهداری می شود که نسخه ای از آن اکنون در دست اینجانب است. وی در مقدمه این کتاب گفته است

باید دانست که در قوافی فارسیه خواه آن قافیه مردن مردن مفرد باشد. چون سرور و سریر مردن بردن زاید چون سوخت گسیخت (براهین العجم، ص. ۲۹)

۱۵. میرزا رضا قلی خان هدایت یکی دیگر از شاعران و فرهنگ نویسان ایرانی است. وی کتاب تاریخی انجمن آرای ناصری را در سال ۱۲۸۶ هجری قمری تدوین کرد. به نام ناصرالدین شاه وقف شد. این کتاب برای همه قابل قبول است. متونی در مقاطع مختلف در ایران و شبه قاره نقل شده است. دکتر بهمن افشانی تصحیح کرد و آن از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده. یک نسخه از آن در حال حاضر در مقابل من وجود دارد. وی در مقدمه ای این کتاب گفت باید دانست که حرف واو خواه در آخر و خواه در وسط بود اگر ما قبلش ضمه خالص باشد واو معروف گویند و اگر خالص نباشد مجهول خوانند (فرهنگ انجمن آرای ناصری، ص. ۲۳)

کلمه یا خواه در وسط و خواه در آخر بود اگر ما قبلش کسره خالص باشد یای معروف گویند و اگر خالص نباشد مجهول خوانند (ایضا، ص. ۲۵)

۱۶. آقای کمال الدین سنجرعالم و نویسنده مشهور ایرانی بود. در جوانی از ایران به هندوستان آمد. او پس از آمدن به اینجا ابتدا به شهرهای مختلف سفر کرد و سپس در سال های آخر زندگی به طور دائم در رامپور اقامت گزید. وی در سال ۱۳۲۹ ق از دنیا رحلت نمود. وی در سال ۱۲۹۲ هجری قمری کتابی را به نام دستور سخن نوشته به نام نواب سالار زنگ تقدیم کرد. وی در این کتاب درباره ای واو گفت

واو معروف آنست که در تلفظ مفهوم گردد چون سور و دور و زلو و گلو و واو مجهول آنست که اندک مفهوم گردد چون کور بکاف عربی و گور بکاف فارسی (دستور سخن، ص. ۵۳)

۱۷. میرزا محمود خان سیف الدین عالم معروف مستان بود بعداً در بمبئی ساکن شد. در سال ۱۳۳۰ هجری قمری کتابی به نام قند فارسی نوشت. در تحت تذکره حروف عامله گفت

یای وحدت یای زایده یای اضافت یای استمرار یای توصیفی یای علامت جمع یای علامت غائب یای تمنا یای بدل کسره یای تردید یای رابطه یای تعظیم و یای تحقیر را از مجهول شمرده (قند فارسی، ص ۲۸۰ تا ۲۸۱)

۱۸. آقای سید محمد علی محقق ایرانی است که از ایران به هندوستان آمده و در دانشکده ای در حیدرآباد به مقام استادی رسیده است. به نام فرهنگ نظام یک لغتنامه نوشت. این کتاب در چهار جلد تمام شد، بسیاری از خردمندان و دانشوران هندوستان و ایران از جملات زیبای ستایشی استفاده کرده اند. از این طریق ارزش کتاب را بسیار افزایش داده است. مؤلف در مقدمه جلد اول می گوید

شعرای زبان فارسی بعضی از واوها و یاها را معروف می دانند و بعضی را مجهول مثلاً واو زور را مجهول می دانند و واو لفظ بود را معروف و حال آن که هر دو در تلفظ ایران مساویند. و یای لفظ دیر را مجهول می دانند و یای لفظ پیر را معروف و حال آن که هر دو در تلفظ ایران مساویند. (فرهنگ نظام حیدرآباد. ص ۵۹)

۱۹. به نام دستور زبان فارسی کتابی هست. نویسنده این کتاب آقای رضا داعی جواد است. این کتاب در سال ۱۳۴۰ قمری در تهران تجدید چاپ شد. نویسنده در این کتاب شرح می دهد

نون نفی نویسنست مفتوح که در اصل نی بوده است یا یای مجهول بر وزن چه و که. که بعداً کسره آنرا بفتحه بدل کرده اند (دستور زبان فارسی، ص. حاشیه ۴)

در پایان بحث مناسب می توان گفت که در زبان فارسی واو و یا دو نوع معروف و مجهول وجود دارد. چه یک متن فرهنگ یا یک کتاب ی دستور یا کتاب علم عروض و قافیه باشد، تا به امروز برعکس هیچ متنی نبوده است. اما در دویست و نیم سال اخیر در ایران معروف جای مجهول را اشغال کرده است. در نتیجه شاعران و نویسندگان آن زمان تنها به عنوان معروف می نویسند و تفاوت های نوشته های خود را برجسته می کردند. اما قوانینی که قبلاً ذکر شد از طریق این نوشته لغو نشدند. در نتیجه در منطقه هندوستان، پاکستان، افغانستان، ترکستان، کردستان، با تفاوت های مناسبی باقی مانده است.

های آخر کلمه

یکی از مهمترین مباحثی که در زبان فارسی مطرح می شود، تلفظ حرف ها است. در قدیمی ترین متون ایران با صدای ها ماقبلش زیر خوانده می شد. اما طبق قوانین جدید حرف ها چه حرف اصلی باشد چه اضافی چه صریح یا چه ضمنی، مقدم بر آن حرف ها ماقبلش زیر است. اما این قاعده بر اساس قوانین قدیم قانونی نیست. به همین دلیل جز در فرهنگ نظام در هیچ متن و دستور زبانی نیامده است. نویسندگان اخیر ایرانی اقرار کرده اند که تلفظ ها ماقبلش مکسور بر اساس قوانین جدید قانونی است. در عین حال می گوید که خارج از قوانین باستانی است. این یک تلفظ جدید است که به مکالمه عمومی اضافه شده است.

۱. نخستین درباره این در کتاب معجم گفته می شود

شخصی از جمله استادان شعرای عجم در تقسیم ها ات اصلی و وصلی گفته است. که اصلی آنست که بی آن معنی خویش ندهد و وصلی آنست که کلمه را در اصل معنی بدان احتیاج نباشد. های شانه و بهانه اصلی است که اگر های ساقط گردانند شان و بهان ماند و هیچ معنی ندهد و های گرانه و میانه و نشانه اصلی نیست از بحر آن که اگر های بیندازند گران و میان و نشان ماند و همان معنی اول بدهد. بناء این کلمات بر فتح است و این ها ات در کل احوال از لفظ ساقطند. و جز دلالت حرکت ماقبل در معنی کلمه هیچ دخل ندارند (المعجم، ص. 214).

از عبارت فوق معلوم می شود که نزد پارسی پژوهان قرن هفتم هجری، اگر آخرین حرف فارسی ها بود، حرف قبلش مفتوح می شد، مانند چنا جاما و غیره. اما در زمان های اخیر همان جام خام و غیره تلفظ می شود.

۲. در کتاب لسان القلم آمده است

که های وصلی بر دو نوع است اول های سکت است و این ها جز دلالت حرکت ماقبل را هیچ فایده ندهد. یعنی قاعده آن است که آخر کلمه که متحرک باشد برای بیان آن حرکت حرفی الحاق می کنند. (لسان القلم، ص ۲۸۱) از این بیان معلوم می شود که ممکن است نزد مؤلف حرف ها ماقبلش مکسور می باشد.

مولانا سیف الدین بخاری معروف به سیفی در سال ۸۹۲ هجری کتابی نوشت که به عروض سیفی شهرت یافت. در آن متن او به بحث درباره ها می گوید

و اما های بیان حرکت است و آن هایست که بآخر کلمه پیوند تا دلالت کند بر آن که ماقبل ها متحرکست و آن حرکت با فتحه بود همچو خنده و گریه و یا کسره بود همچوکه وجه (مولانا سیف الدین بخاری معروف به سیفی عروض سیفی ص. ۷۰)

4. بحث مفصلی در این باره در کتابی به نام فرهنگ جهانگیری آمده است. مصنف بیان نمود که ها ماقبلش مفتوح می شود،

و آن هایست که جز دلالت بر فتحه ماقبل در معنی کلمه هیچ دخل ندارد مثل جامه و خامه و بنده و شگوفه (فرهنگ جهانگیری، ص. 32)

در پرتو قواعد، ترکیبی از کلمات بسیاری ساخته است که پیش ازو های ماقبلش مفتوح می شود

5. بحث تفصیلی درباره ای این موضوع در کتاب برهان قاطع، به نظر می رسد. نویسنده در آن توصیفی کرده است که تا آن زمان مرسوم بوده است. به همین طریق در فرهنگ رشیدی؛ سیراج اللغة، براهین العجم؛ النجمن آرای ناصری؛ نهج الادب و غیره بحثی مذکور است که های ماقبلش مفتوح می شود

3. لاحقۀ نده ما قبل مکسور

در زبان فارسی کلمه نده در آخر اسم فاعل اضافه می شود. و بر اساس قوانین باستانی در شبه قاره هند و ایران این کلمه با مفتوح اضافه می شد. اما طبق قوانین اخیر ایران آنان مکسور می خوانند مثلاً کلمه پرنده را بر اساس قواعد قدیمی در شبه قاره هند پاراندا خوانده شود. و طبق قوانین جدید ایران می گویند پرنده. می توان گفت که این قاعده شبه قاره هند نیز قانونمند است. از طرفی قوانین جدیدی که در ایران به کار می رود نشان از تنوع زبانی دارد و این مورد قبول مردم شبه قاره هند نیست.

اولین موردی که در این زمینه منقول شده از کتاب *مؤید الفضلا* است .

بدان که اسم فاعل ماخوذ است از مضارع بحذف دال که علامت مضارع است و زیادت لفظ انده بروزن زنده در آخر آن لفظ لیکن الف وصل ساقط شود لفظا وخطا و کسره آن ماقبل دهند بعد از ازاله حرکت ماقبل تا دلیل باشد بر حذف آن الف وصل چنانچه از کوید گوینده و از زند زنده (*مؤید الفضلا*، جلد ۲، ص. ۲۹۸)

به همین جهت رضاقلی هدایت می گوید

هرکه هست آفریده او بند ست بنده در بند آفرینند ست (*انجمن آرای ناصری*، ص. ۵۹)

نون غنه

در ایرانی امروزی، زبان رایج فارسی همه جا نون نقطه استفاده می کند. آنها نون غنه معمولا قبول ندارند. اما استفاده از نون غنه در متون باستانی و در زبان فارسی رایج در شبه قاره هند مشاهده شده است . مثلا شمس قیس در المعجم می گوید و اما نون غیر ملفوظ هر نون که ماقبل آن ساکن باشد ودر شعر بتحقیق آن احتیاج نبود در تقطیع ساقط آید. چنانچه چون نگارین روی او در شهر نیست که نون چون و نگارین از تقطیع ساقطند

عبد القهار در معجم بارها این قانون تکرار کرده است. محقق طوسی نوشته است

و حرفهای دیگر باشد که هم از ترکیب دو حرف حادث باشد. مثلا چنانکه از ترکیب یکی از مد با غنه نون در لفظ دوان و دان و دین باشد و امثال این افتد که بر وزن دو و دا و دی باشد (*عروض همایون* ۱۵، ص)

ملا سیفی هم گفته است

بدانکه هر نون ساکن که بعد از حرف مد باشد همچو لفظ چون و جان و چین.

اگر درمیان مصراع واقع شود ساقط شود در تقطیع و اگر در آخر مصراع شود در حساب حرف ساکن باشد (*لحروض سیفی*، ص. ۸۰)

ملا عبد الرشید گفت

چون در آخر کلمه واقع شود و ماقبلش یکی از حرف علت باشد بطریق غنه متلفظ شود و چون زبان و دهان و گاهی در وسط نیز چون نشاند و خواور ورائد (*فرهنگ رشیدی*، ص. ۲۱)

رضاقلی هدایت نوشت

و نونی که بغنه ملفوظ گردد به نون غنه نامیده شود و چنانکه لفظ زبان و زبون و زمین. و اعلان چنین کلمات نزد فصحای متأخرین بسیار قبیح است. مگر در صورت مضاف یا موصوف یا معطوف یا ملحق بضمیر و لفظ است شدن آنفرهنگ (*انجمن آرای ناصری*، مقدمه، ص. ۲۳)

سخن پایان

از بحث فوق آشکار می شود که در شبه قاره هند یعنی بنگلادش، هند و پاکستان به شکل باستانی خود حفظ شده است. به همین دلیل تمام کتاب های فارسی چه در اینجا و چه در هندوستان با رعایت قوانین فوق نوشته شده است. در عین حال، نویسندگان متأخر ایرانی، در تألیف کتاب های خود، به قدمی بودن این قاعده و جدید بودن این قاعده اشاره کرده اند. شبه قاره هند همچنان به فارسی صحبت کردن عادت دارد. آنها همچنین در نوشته های خود از زبانی با رعایت کامل قوانین کهن استفاده می کنند و به همین دلیل به نظر می رسد که در اشعار امیر خسرو (شاعر بلبل پارسی شبه قاره هند) وهر شاعر دیگری تلاشی از قواعد جدید فارسی اشتباه محض است.

منابع و مأخذ

- ۱ شمس الدین بن محمد قیس الرازی، المعجم فی معایر اشعار العجم، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۵۴۰۹۱
- ۲ خواجه نصیرالدین طوسی، معیار الاشعار، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۹۱۲۷۰
- ۳ شمس بن سعید فخری اصفهانی، معیار جمالی، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۷۴۳۱۹
- ۴ مولانا عبدالرحمن جامی، مختصر وافی به قواعد علم قافی، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۸۸۸۱
- ۵ عطاءالله بن محمود الحسینی، رساله در علم قوافی، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۸۵۴۷۹
- ۶ نورالدین بن احمد بن عبدالجلیل، رساله علم قافیه، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۲۹۹۶۱
- ۷ شیخ محمد خضری بن شیخ لاد دهلوی، مؤیدالفضل، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۱۵۰۱۹
- ۸ جمال الدین حسین بن فخرالدین حسن شیرازی، فرهنگ جهانگیر ثمر هند پریس لکهنو ۱۲۹۳ هـ ۱۸۷۶ ع
- ۹ محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۱۹۹۶۱
- ۱۰ عبدالرشید بن عبدالغفور حسینی مدنی، فرهنگ رشیدی، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۲۳۵۰
- ۱۱ میر شمس الدین فخری دهلوی، حدایق البلاغه، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۶۸۲۹۹
- ۱۲ میرزا محمد تقی خان مستوفی، براهین العجم، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۲۰۷۶۵۰
- ۱۳ میرزا رضا قلی خان هدایت، فرهنگ انجمن آرای ناصری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱۴ آقای کمال الدین سنجدستور، سخن، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۲۳۱۴
- ۱۵ میرزا محمود خان سیف الدین، قند فارسی، مظفری بمبی ۱۳۴۲ هـ
- ۱۶ آقای سید محمد علی، فرهنگ نظام حیدرآباد
- ۱۷ آقای رضا داعی جواد، دستور زبان فارسی، تهران، ۱۳۱۳
- ۱۸ مولانا سیف الدین بخاری معروف به سیفی عروض سیفی،
- ۱۹ عبد القهار ابن اسحاق، عروض همایون، تهران
- ۲۰ عبد القهار، میزان الاوزان لسان القلم، تهران